

تأثیر هویت مکانی بر مشارکت روستاییان در روند اجرای طرح‌های هادی در سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: روستاهای پیرامون کلان‌شهر مشهد)

علی‌اکبر عنابستانی*، علیرضا معینی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۳

چکیده

هدف مطالعه حاضر، بررسی تأثیر هویت مکانی بر مشارکت روستاییان در روند تهیه و اجرای طرح‌های هادی سکونتگاه‌های پیرامون کلان‌شهر مشهد است. تحقیق حاضر از نظر روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی و از بین ۱۷ روستا حاشیه کلان‌شهر مشهد که طرح هادی در آن‌ها اجرا شده بود تعداد ۱۰ روستا انتخاب و حجم نمونه مورد بررسی با استفاده از فرمول کوکران ۱۶۸ نفر خانوارهای روستایی تعیین شد. یافته‌های تحقیق نشان از تفاوت معنادار منفی میان میانگین موردسنجش و میانگین به‌دست‌آمده هم در ابعاد هویت مکانی و هم مشارکت در طرح‌های هادی دارد. همچنین تمام ابعاد هویت مکانی با میزان مشارکت روستاییان در مرحله تهیه و تصویب طرح هادی ارتباط معنادار و معکوسی دارد. بعلاوه، سه بُعد تمایز (۰/۱۹۹)، تداوم (۰/۳۹۰) و عزت‌نفس (۰/۳۴۵) با میزان مشارکت روستاییان در مرحله اجرای طرح‌های هادی، ارتباط مثبت و معنادار نشان داده است و در نهایت، در مرحله نظارت و نگهداری، در هر چهار بُعد تمایز (۰/۱۷۰)، تداوم (۰/۵۲۷)، عزت‌نفس (۰/۴۸۲) و خودکارآمدی (۰/۲۵۳) ارتباط مثبت و معناداری مشاهده شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق برای افزایش مشارکت روستاییان در طرح‌های هادی باید به تقویت و بهبود دو بُعد تداوم و عزت‌نفس آنان پرداخت. مطمئناً توجه به معیارهای روان‌شناختی، مدیریت صحیح بحران در مناطق روستایی و ادراک مردم روستا از اینکه توجه به آن‌ها و روستایشان در حال افزایش است، مشارکت را دست‌کم در دو مرحله اجرا و نظارت و نگهداری افزایش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: هویت مکانی، مشارکت روستاییان، طرح هادی، معادلات ساختاری، کلان‌شهر مشهد.

* استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).
anabestani@um.ac.ir

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
moini1363@gmail.com

مقدمه

از دهه ۱۹۶۰ اهمیت فضاهایی که افراد در آن زندگی می‌کنند در راستای هویتشان مورد توجه قرار گرفت و فرید^۱ (۱۹۶۳) و بعدها پروشانسکی^۲ و همکاران (۱۹۸۳)، نشان دادند که هویت شخصی نه تنها بر فرآیندهای فردی، بین فردی و اجتماعی تأکید می‌کند، بلکه عنصر دیگری به نام محیط فیزیکی نیز دارد که مؤلفه‌ای اساسی در هویت‌بخشی مکانی در افراد به شمار می‌رود (Bernardo & Palma-Oliveira, 2016: 239). در سال‌های اخیر، مطالعات در باب احساساتی که افراد نسبت به یک مکان معین در زندگی‌شان توسعه می‌دهند، باعث افزایش توجه به روان‌شناسی زیست‌محیطی شده است. پرتی^۳ و همکاران (۲۰۰۳) و وستر هربر^۴ (۲۰۰۴)، بیان می‌دارند که به‌طور خاص، مفهوم هویت مکانی از آنجایی مورد نظر قرار دارد که به‌طور ذاتی با دلبستگی مکانی مرتبط می‌باشد و به‌زعم پروشانسکی و همکاران (۱۹۸۳)، و لالی^۵ (۱۹۹۲)، مکان یک مؤلفه پایه‌ای از هویت فردی قلمداد می‌گردد (Hernández, et al, 2007: 310-311). پروشانسکی و همکاران (۱۹۸۳)، اظهار داشتند که هویت مکانی زیرساختی از هویت خود (خودهویتی^۶) است. روان‌شناسان زیست‌محیطی از جمله جورج گنسن و استدمن^۷ (۲۰۰۱) و پروشانسکی و همکاران (۱۹۸۳)، هویت مکانی را در مقام معرفت‌ها، باورها، ادراکات و یا اندیشه‌هایی توصیف می‌کنند که افراد در یک بستر فضایی به‌منظور تمایز میان خود از دیگران اشاعه می‌دهند (Jiang, 2020: 1033).

1. Fried
2. Proshansky
3. Pretty
4. Wester-Herber
5. Lalli
6. Self-identity
7. Jorgensen & Stedman

بالستروس و رامیرز^۱ (۲۰۰۷)، معتقدند که تئوری هویت اجتماعی قابلیت توسعه به دیگر جنبه‌ها از قبیل مکان را دارد. در همین راستا، آلتمن و لاو^۲ (۱۹۹۲)، می‌گویند که سرزمین به مکانی تبدیل می‌شود که مردم، گروه‌ها و یا فرآیندهای فرهنگی در آنجا معنای خود را به دست می‌آورند و به اصطلاح هویت‌های جمعی قوی، آن‌هایی که با فضاهای زندگی پیوند دارند، احساس تعلق محکم‌تری را ایجاد می‌کنند و به‌زعم بالستروس و رامیرز (۲۰۰۷)، تأییدکننده ارتباط میان هویت، فضا و اجتماع می‌باشد. مانزو^۳ (۲۰۰۳)، هویت مکانی را انتزاعی می‌داند که می‌تواند به‌طور نابرابر معانی فردی و جمعی را نمایان سازد (Jiménez-Medina et al, 2020: 8).

هاریس^۴ (۲۰۱۴)، عنوان می‌دارد که دو فرآیند انتقالات بین‌نسلی حس تعلق و هویت و اثرات نابرابری‌ها، به‌طور بالقوه منجر به جذب و کشش افراد نسبت به مکان می‌شوند (Frost & Catney, 2019: 3). این امر به‌طور گسترده مورد پذیرش قرار گرفته است که ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، ارزش‌ها و رفتارها همگی بر شکل‌گیری هویت و معنابخشی به آن اثرگذار هستند، اما در ارتباط با مکان‌ها، بویژه مکان‌های خاص، وجهی که می‌بایست به‌عنوان یک کل در نظر گرفته شود، هویتی است که فرد بر اساس عواطف، احساسات، دلبستگی‌ها و خاطرات در قبال یک مکان دارد (Brown et al, 2019: 11). چراکه، بنا به گفته دوین رایت^۵ (۲۰۰۹)، خاطرات و ارزش‌های مرتبط با مکان، فرآیندهای هویتی هستند که تعیین‌کننده تحرک جوامع در برابر تحولات مربوط به مناطق خود می‌باشد. به‌گونه‌ای که، کلونین^۶ و همکاران (۲۰۱۵)، و انگلر و انگلر^۷ (۲۰۱۷)، بر این باورند باورند که این هویت‌های مکانی قوی به‌ویژه در جوامع سنتی مانند روستاها و برخی از

-
1. Ballesteros & Ramirez
 2. Althman & Low
 3. Manzo
 4. Harris
 5. Devine-Wright
 6. Colvin
 7. Engler & Engler

شهرها هم می‌تواند بر اختلافات سنتی و هویتی غلبه نماید و هم پایگاهی را به منظور حمایت از فعالیت‌های موفق در اجتماع ایجاد نماید (de Vries, 2020: 3). براون و ریموند^۱ (۲۰۰۷)، عنوان می‌دارند که هویت مکانی به طرفداری از محیط منتهی می‌شود و باعث افزایش سطح تاب‌آوری و به‌زعم هاریس و همکاران (۱۹۹۵)، گرایش به بالا بردن کیفیت زندگی می‌گردد؛ که البته بنا به گفته آلبرخت^۲ و همکاران (۲۰۰۷)، بسته به تهدیدی که محیط با آن مواجه شده است و احساسی که افراد به مکان دارند، می‌تواند چشم‌انداز افراد از محیط و پیوندهایی که با آن دارند در قبال سازمان‌های مسئول، متفاوت باشد و رفتارهای منفی را نیز بروز دهد (Anton & Lawrence, 2014: 451-452).

یکی از موضوعاتی که امروزه مکان‌هایی جغرافیایی به‌ویژه روستاها با آن مواجه هستند، تغییرات زیست‌محیطی همچون خشکسالی، می‌باشند که اساساً میزان تاب‌آوری مکانی ساکنین روستاها را هدف قرار داده است. طبیعتاً هرچه میزان تاب‌آوری مکانی پایین‌تر باشد، میل به ماندگاری در روستا به دلایل به‌ویژه اقتصادی کاهش می‌یابد؛ چراکه تاب‌آوری، ظرفیت افراد در موقعیت‌های مختلف را نمایان می‌سازد. به مانند تاب‌آوری و آنچه که از آن قوی‌تر است، مباحث هویتی است که به‌وفور در بسیاری از مکان‌های روستایی شاهد این موضوع هستیم که کماکان ساکنین روستا خواهان ماندن در روستا و تلاش برای آبادی روستا هستند. به عبارتی، این آمادگی را از خود نشان می‌دهند که برای مقابله و رویارویی با مشکلات اقتصادی و زیست‌محیطی در صورت حمایت‌های بالادستی گامی در جهت توسعه و پیشرفت روستا بردارند.

یکی از شکاف‌های تجربی در مطالعات مربوط به هویت در روستا، پرداختن به موضوع هم هویت مکانی و هم مقوله مشارکت از طریق هویت می‌باشد که مطالعات بسیار اندکی در این زمینه صورت گرفته است. اکثر مطالعات نیز در بستر مناطق شهری و محلات انجام شده است. از طرفی دیگر، طرح‌های هادی یا به عبارتی طرح جامع

1. Raymond
2. Albrecht

تأثیر هویت مکانی بر مشارکت روستاییان در روند... ۵

توسعه روستایی، راهنمای مصوبی برای هدایت عملیات سازندگی و آبادانی در روستاها، با آگاهی از وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن مکان است. امروزه طرح هادی روستایی، مهم‌ترین ابزار مدیریت توسعه روستایی در ایران است. در این ارتباط برای اینکه افراد در سطح روستاها در فرآیند اجرای طرح‌ها مشارکت کنند و میزان مشارکت آن‌ها نیز افزایش یابد، باید هویت مکانی در بین آن‌ها افزایش یابد. زیرا احساس هویت مکانی و عضویت فرد در روستا و احساس تأثیرگذاری و نفوذ بر محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها را افزایش می‌دهد. پس برای افزایش میزان مشارکت مردم در سطح روستا و به تبع افزایش سهم آن‌ها در مدیریت روستا باید حس تعلق و دلبستگی نسبت به روستا در افراد ایجاد شده و هویتی واحد برای روستا قائل باشند زیرا هنگامی که هویت مکانی فرد به منطقه سکونتش از دست می‌رود به آن مکان اهمیت چندانی نداده و حتی ممکن است آن منطقه را نیز ترک کند.

با توجه به مباحث مطرح شده سؤال اصلی در تحقیق حاضر این است که هویت مکانی به چه میزان در مشارکت روستاییان در فرآیند اجرای طرح‌های هادی تأثیرگذار می‌باشد؟ تا بتوان از نتایج آن به‌عنوان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه‌های روستایی و به‌ویژه ناحیه مورد مطالعه یعنی روستاهای پیرامون کلان‌شهر مشهد استفاده کرد. از زمان شروع فعالیت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در نقاط روستایی سراسر کشور طرح‌های بسیاری تهیه و به مرحله اجرا گذاشته شده است و روستاهای واقع در شهرستان مشهد از جمله محدوده‌های روستایی کشور است که طرح‌های یادشده در آن تهیه و اجرا شده‌اند. بنابراین با توجه به تعداد طرح‌های تهیه‌شده و اجرا شده در سطح روستاهای پیرامون کلان‌شهر مشهد ما در مطالعه حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که هویت مکانی به چه میزان در مشارکت روستاییان در روند تهیه، تصویب و اجرای طرح‌های هادی اثرگذار بوده است؟

مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

از نظر پروشانسکی^۱ مفهوم هویت مکانی به آن دسته از ابعاد خویشتن اشاره دارد که هویت فردی اشخاص را در رابطه با محیط فیزیکی‌شان تعریف می‌کند. واژه هویت دو معنی می‌دهد: اول همسانی و دوم تمایز. بنابراین هویت مکانی باید هر دو جنبه را با هم ترکیب کند. در هویت مکانی، مکان وسیله‌ای است که فرد خودش را از دیگران (افراد خارج از مکان) متمایز می‌سازد و نیز حس همسانی خود را با افراد داخل مکان حفظ می‌کند (Lewicka, 2008). هویت مکان، ارتباط عمیق بین یک مکان و هویت شخصی فرد را تعریف می‌کند (Budruk, Thomas & Tyrrell, 2009). هویت مکان با چهار جنبه شکل‌گرفته که تمایز، تداوم، عزت‌نفس و خودکارآمدی، که برای حمایت از هویت مکانی، این چهار جنبه باید در تعادل با یکدیگر باشند (Ginting & Wahid, 2017) و اگر همه یا یکی از این ابعاد مورد مصالحه قرار گیرد، هویت مکان می‌تواند تهدید شود (McKercher, Wang, & Park, 2015).

اولین اصل هویت مکان تمایز است که به‌عنوان ایجاد احساس تمایز شخصی و یا منحصربه‌فرد بودن است (Breakwell, 1986), (Ginting, Nurlisa; Rahman, N.). (Vinky; Nasution & Achmad Delianur, 2017) تمایز ناشی از درک فرد از تفاوت بین یک مکان با دیگر مکان‌هاست. یک ویژگی خاص از یک مکان موجب می‌شود که فرد ارتباط خاصی با آن مکان داشته باشد. مکانی که ویژه و منحصربه‌فرد اوست و شناخت آن برای او نسبت به سایر مکان‌ها راحت‌تر است (Ginting, Nurlisa; Rahman, N. Vinky; Nasution, Achmad Delianur, 2017) به‌عبارت‌دیگر، تمایز اشاره به مکان یا محلی دارد که می‌تواند از دیگر محل‌ها متمایز باشد و مرتبط است با درک مثبت از منحصربه‌فرد بودن یک مکان (Ginting & Wahid, 2017) به‌طور خلاصه تمایز، همان حس و انگیزه تفاوت داشتن با دیگران است (Wang, 2016).

تأثیر هویت مکانی بر مشارکت روستاییان در روند... ۷

دومین اصل هویت، اصل تداوم و یا پیوستگی است. استدلال می‌شود که تداوم یک انگیزه یا تمایلی کلیدی است که ایجاد و حفظ هویت را هدایت می‌کند (Breakwell, 1986) و باید به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی در توضیح فرایند هویت و تعریف روابط با سایر عناصر هویت مکانی در نظر گرفته شود. بر اساس اصل تداوم، استدلال می‌شود که یک مکان می‌تواند یک احساس روانی از نظر پایداری زمانی ایجاد کند؛ (Wang, Suosheng; Chen, Joseph, 2015). تداوم بازتابی از تمایل به حفظ نوعی ارتباط در طول زمان است که این امر برای سلامتی روان مهم است (McKercher, Wang, & Park, 2015).

عزت نفس سومین اصل است که اشاره به ارزشیابی مثبت فرد یا گروه از هویت دارد (Wang, Suosheng; Chen, Joseph, 2015). با توجه به هویت مکان، می‌توان گفت مکان‌ها و محیط‌های موردعلاقه می‌توانند منجر به عزت نفس شوند. به‌عبارت‌دیگر، ارزیابی اعضای مکان بر عزت نفس تأثیر می‌گذارد (Gu & Ryan, 2008). عزت نفس زمانی به وجود می‌آید که فرد خودش را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و به فرد احساس وابستگی به یک مکان می‌بخشد و باعث می‌شود که به توسعه آن مکان متعهد شود. فرد با مکان‌هایی که نماد قابل رؤیت دارند، خوشحال می‌شود و احساس غرور خواهد کرد و از دیگر مکان‌ها که حس‌های دیگری به او می‌بخشند، اجتناب می‌کند (Ginting, Nurlisa; Rahman, N. Vinky; Nasution, Achmad, Delianur, 2017).

اصل بعدی هویت مکان، خودکارآمدی است. احساس تعلق نسبت به یک مکان با حس خودکارآمدی فرد ارتباط دارد (Gu & Ryan, 2008) خودکارآمدی احساس باور یک فرد به توانایی‌های خود برای مقابله کردن و کنار آمدن با شرایط در حال تغییر یا کنترل محیط تعریف شده است. خود کارآمدی یک محیط است که آیتم‌های آن راحتی، ایمنی و سهولت دسترسی در آن محیط است؛ بنابراین فرد می‌تواند آنچه را می‌خواهد

انجام دهد (Ginting, Nurlisa; Rahman, N. Vinky, 2017; Nasution, Achmad) (Wang, Suosheng, Chen, Joseph, 2015), (Delianur, Ginting & Wahid, 2017). دو مرحله در شکل‌گیری هویت مکانی وجود دارد: در مرحله نخست، فرد محیط را شناسایی می‌کند که هویت مکان نامیده می‌شود، اما در مرحله دوم پیوند روانی با مکان صورت گرفته که شکل هویت مکانی تداوم می‌یابد. در نتیجه می‌توان گفت کسانی که از هویت مکانی قوی‌تری برخوردار هستند در واقع با محیط روستای خود پیوند برقرار نموده و ارزیابی بهتری از وضعیت زیست‌پذیری در محیط‌های روستایی دارند.

در خصوص مفهوم مشارکت تاکنون تعاریف زیادی ارائه شده است. کلی و برین لیکر، مشارکت را نوعی عمل جمعی دانسته‌اند و تبیین‌های مربوط به آن را در دو سطح فردی و فرا فردی انجام داده‌اند (یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۱۰۶). رید^۱ مشارکت را فرآیندی برمی‌شمارد که از طریق آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها نقش فعالی در اتخاذ و اجرای تصمیماتی که بر آنها تأثیر مستقیم می‌گذارد، ایفا می‌کنند (Reed, 2008) طوسی به نقل از دیویس^۲ (۱۹۸۴)، می‌نویسد: مشارکت عبارت است از درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گوناگون، به گونه‌ای که آنها را برمی‌انگیزاند تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی، دیگران را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (طوسی، ۱۳۷۲: ۵۶). به‌طور معمول مشارکت در سه سطح تعریف می‌شود: مشارکت در تدوین و طراحی برنامه‌ها، مشارکت در اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌ها و مشارکت در ارزشیابی و بررسی نتایج و پیامدهای حاصل از اجرای کل برنامه یا طرحی مشخص (De Stefano, 2010).

بنیادی‌ترین اندیشه زیرساخت مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک‌مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت

1. Reed
2. Dawis

زندگی در تمام زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (عنبری؛ حسنونند، ۱۳۸۹: ۱۳۲). مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصیصه‌های محلی و غیردولتی دارند و هدفشان مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرآیندهای اجتماعی مختلف در قالب سیاست‌های اجتماعی است (گل‌شیری اصفهانی؛ خادمی؛ صدیقی؛ تازه، ۱۳۸۸: ۱۵۲). تعدد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیردولتی در یک جامعه، بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است، تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکت‌های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸).

مشارکت اجتماعی با مشارکت مردمی قرابت دارد، زیرا اولاً مشارکتی است که از متن جامعه برمی‌آید، ثانیاً عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی را در برمی‌گیرد. چنین مشارکتی در برنامه‌های عمران اجتماعی، به‌ویژه در سطح روستاها، جایگاه خاصی دارد که غفلت از آن و فراهم نساختن بسترهای لازم برای بسط و بهره‌گیری مناسب از آن، برنامه‌های عمران اجتماعی را در سطوح مختلف دچار مشکل و نارسایی می‌کند. بنابراین، مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان‌یافته‌ای دانست که از سوی افراد جامعه به‌صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص به‌منظور سهم‌شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد (ازکیا؛ غفاری، ۱۳۸۶: ۲۹۳).

لازم به ذکر است که مفهوم مشارکت فقط به بُعد اجتماعی و کسب اطلاعات محدود نمی‌شود، بلکه مشارکت برای اینکه تأثیرگذار باشد باید در تمام ابعاد و جنبه‌ها به‌صورت یکپارچه و همه‌جانبه صورت گیرد (رکن‌الدین افتخاری؛ پورطاهری؛ صادقلو و سجاسی قیداری، ۱۳۸۹: ۲۳). طرح‌های هادی در ایران، تحت تأثیر دیدگاه کارکردگرایی، با محوریت قرار دادن تحولات کالبدی در روستاها سعی در دگرگون‌سازی کالبد روستاها و دستیابی به توسعه روستایی دارند (مظفر؛ حسینی؛

سلیمانی؛ ترکشوند و سرمدی، ۱۳۸۷: ۱۲). امروزه، مشارکت مردم روستایی کلیدی‌ترین عنصر در دستیابی به اهداف عمران و توسعه روستایی به شمار می‌رود و در فرایند توسعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌گونه‌ای که بزرگ‌ترین سرمایه‌ای که هر روستایی می‌تواند با اتکا بدان مراحل عمران و آبادانی را طی کند چیزی جز مشارکت ساکنان آن روستا نیست (اعظمی؛ یعقوبی فرانی؛ معتقد، ۱۳۹۵: ۴۸).

به‌منظور تحقق اهداف طرح‌های هادی روستایی و سایر طرح‌های عمرانی در روستاها، مشارکت روستاییان باید در مراحل و ابعاد گوناگون زیر صورت گیرد:

۱- مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی (تشخیص نیازها، اولویت‌بندی آن‌ها و تصمیم‌گیری).

۲- مشارکت در اجرا و نگهداری

۳- مشارکت در بهره‌برداری، حفظ، مراقبت، تعمیر و مراقبت از طرح‌ها و پروژه‌ها

۴- مشارکت در ارزشیابی و بازنگری آثار طرح‌ها و پروژه‌ها

ابعاد مشارکت مردم در طرح‌های هادی را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

▪ ایجاد زمینه مشارکت مردم در طراحی و اجرای طرح‌های هادی (بند و ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی).

▪ اجرای طرح‌های توسعه فیزیکی با همیاری مردم (بند ح ماده ۷).

▪ توجه به اصل عدم‌مداخله مستقیم در اجرا با اتکا به مشارکت‌های مردمی (ماده ۱۱).

▪ ایجاد بستر مشارکت مردم و سازمان‌دهی نیروهای محلی در ارتباط با تهیه و

اجرای طرح (بند ج ماده ۱۱).

▪ بررسی زمینه‌ها و نحوه مشارکت اجرای، فنی و اقتصادی روستاییان در اجرای

طرح‌های عمرانی گذشته در سطح روستا و تعیین نقاط قوت و ضعف آن.

▪ ارزیابی زمینه‌های مشارکت فنی، اقتصادی و اجتماعی روستاییان در اجرای

طرح‌های عمرانی در گذشته و تعیین روش مشارکت آن‌ها در اجرا، بهره‌برداری و

نگهداری پروژه‌های طرح هادی روستا.

▪ نیازسنجی برنامه‌ها و پروژه‌های ضروری روستا با توجه به نتایج طرح‌های فرادست، دیدگاه روستاییان و مطالعات قبلی.

▪ ارائه پیشنهادهای لازم برای تقویت و نهادینه‌سازی فعالیت‌های مشارکتی روستاییان در ابعاد اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، و فنی - اجرایی برای بهره‌وری پایدار و فراوان از طرح‌های عمرانی روستا به‌ویژه طرح هادی و پروژه‌های ایمن‌سازی در مقابل خطر سوانح طبیعی (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

در زمینه بررسی مشارکت مردم در فرآیند توسعه روستایی و عوامل مؤثر بر آن در سطح روستاهای کشور ما تحقیقات متعددی صورت پذیرفته ولی کمتر به مقوله هویت مکانی و ارتباط آن با فرآیند مشارکت روستاییان و اجرای طرح هادی در سطح سکونتگاه‌های روستایی اشاره شده است. در ادامه نتایج برخی از این تحقیقات ارائه شده است: در ایران تحقیقاتی در خصوص عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در فرآیند توسعه روستایی و طرح‌های توسعه انجام شده است.

محمودیان (۱۳۷۱)، عفتی (۱۳۷۱)، کوثری (۱۳۷۴) و حسن نژاد و همکاران (۱۳۹۰)، متغیرهای انگیزش، آگاهی اجتماعی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، انسجام اجتماعی، اعتماد به مجریان طرح‌ها، موقعیت اجتماعی - اقتصادی روستا، اختلافات محلی و وابستگی به دولت را بر مشارکت روستاییان در طرح‌ها مؤثر می‌دانند.

لقایی و همکاران (۱۳۸۶)، مشارکت را شامل دخالت دادن مردم در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های توسعه روستایی و سهم کردن آن‌ها در منافع و مداخله آن‌ها در ارزیابی این طرح‌ها تعریف می‌کنند.

همچنین، فزونی اردکانی و حیاتی (۱۳۹۰) به ارزیابی و نقد طرح هادی روستایی در سپیدان فارس پرداختند و بر اساس یافته‌های تحقیق آن‌ها، مشارکت پایین افراد محلی برای پرداخت سهم خودیاری از جمله مشکلات موجود بوده است.

عناستانی و اکبری (۱۳۹۱) به ارزیابی اثرات اجرای طرح‌های هادی بر سکونتگاه‌های روستایی پرداختند یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این طرح‌ها به لحاظ زیست‌محیطی و جلب مشارکت مردم چندان توفیق نداشتند.

طالب و همکاران (۱۳۹۱) نیز به بررسی نحوه مشارکت مردم در سطوح مختلف طرح بهسازی پرداختند و نتایج تحقیق آن‌ها با استفاده از تقسیم‌بندی مشارکت در سطح تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت، نشان می‌دهد که در مرحله اول (تصمیم‌گیری)، مردم هیچ‌گونه مشارکتی نداشتند، بلکه دولت نقش اصلی را ایفا کرده است؛ اما در مرحله دوم (اجرا)، مشارکت مردم خوب بود و در مرحله سوم (نظارت) نیز مانند مرحله اول، مردم نقش چندانی نداشتند.

عمده مطالعات انجام‌گرفته در رابطه با هویت و هویت مکانی در جوامع شهری بوده و مطالعه‌ای با تأکید بر جوامع روستایی انجام نگرفته است. در اینجا به برخی از مطالعات می‌پردازیم: در ارتباط هویت مکانی پرتی و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان «حس مکان در میان نوجوانان و بزرگسالان روستا شهرهای استرالیا: ویژگی‌های تبعیض‌آمیز در دل‌بستگی مکانی، حس اجتماعی و وابستگی مکانی در رابطه با هویت مکانی»، به این نتیجه رسیده‌اند که هویت مکانی در میان بزرگسالان بیش از نوجوانان است و نوجوانان بیشتر تمایل به تغییر مکان برای کسب تجربه دارند.

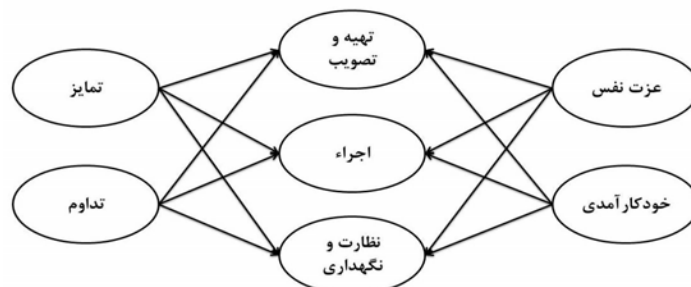
مهدیان و سرتپی‌پور (۱۳۹۱) با بررسی هویت مسکن روستایی در گذشته و حال، سیاست تأمین مسکن روستایی کشور را شرح داده‌اند. پوردیهمی و نورثقانی (۱۳۹۲) با کمک دو معیار قابلیت‌های محیط و تعامل‌های ساکنان در برابر محیط، به ارتباط هویت فردی و اجتماعی با مسکن در روستاها اشاره کرده‌اند. احمدی و مهدوی (۱۳۹۳) به بررسی امکان وجود رابطه کیفیت زندگی روستاییان با حس تعلق مکانی در روستای زرنديه بخش مرکزی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق گویای آن است که، شاخص‌های اقتصادی و مدت سکونت در روستا بر حس تعلق مکانی آنها بیشترین تأثیر را داشته است.

یگانه و همکاران (۱۳۹۴)، به تحلیل عوامل مؤثر در تحولات مسکن روستایی با تأکید بر هویت پرداخته‌اند که نتایج تحقیق نشان می‌دهد رابطه معناداری میان پذیرش الگوی نوین مسکن و نوع هویت خانوارهای روستایی وجود دارد.

هاتفی شجاع و همکاران (۱۳۹۵) از نظر هانری لوفور، فضا عاملی سیاسی و اجتماعی است که هویت مکان آن بر اساس عوامل درونی و بیرونی است. هالفکری بر اساس این مدل، هویت روستاها را برآمده از موقعیت‌های روستا، بازنمودهای رسمی و زندگی روزمره روستاییان می‌داند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد برای پاسخگویی به نیاز ساکنان با سنین مختلف و به‌منظور هویت‌بخشی در الگوی مسکن ویالایی و روستایی باید توسعه عمرانی و امکانات شهری در روستا لحاظ شود.

حیدری ساریان (۱۳۹۵) رابطه گردشگری با هویت اجتماعی جوانان روستایی شهرستان اردبیل را مورد بررسی قرار داده است.

مطالعات انجام شده عموماً یا به بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی یا اقتصادی بر میزان مشارکت روستاییان در طرح‌ها پرداخته بودند یا به چگونگی روند مشارکت، آسیب‌شناسی مشارکت و یا اثرگذاری طرح‌ها بر میزان مشارکت جامعه محلی، اشاره داشته‌اند. همچنین مطالعات صورت گرفته در بُعد هویت، که اساساً به هویت در جوامع شهری گرایش داشته‌اند پرداخته و نگاه آنان به مناطق روستایی بسیار کم‌تر بوده است؛ اگرچه، متغیرهایی از قبیل قابلیت‌های محیط و تعاملات ساکنین، کیفیت زندگی و یا حس تعلق مکانی (که با هویت مکانی متفاوت می‌باشد) نیز در مباحث مربوط به هویت مورد سنجش قرار گرفته‌اند. به‌طورکلی در مطالعات انجام‌شده تاکنون به بررسی رابطه میان هویت مکانی از منظر روستاییان و مشارکت آنان در طرح‌های هادی پرداخته نشده است. رویکرد این تحقیق، متوجه مناطق روستایی می‌باشد که طرح‌های هادی در آنها به اجرا درآمده است، که به روش پیمایشی انجام‌شده است. بنابراین با توجه به کمبود مطالعات در این حوزه یعنی هویت مکانی، این مطالعه می‌تواند هم به لحاظ تئوریک و هم به لحاظ کاربردی برای سایر مطالعات مرتبط با موضوع مؤثر باشد. در شکل زیر نیز مدل مفهومی تحقیق آورده شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف و نوع جزء تحقیقات کاربردی و از نظر ماهیت و روش‌شناسی در زمره تحقیقات توصیفی و تحلیلی است که گردآوری اطلاعات از طریق روش‌های اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از ابزارهای پرسشنامه محقق ساخته، مشاهده و مصاحبه انجام شده و در گام بعدی تحلیل اطلاعات در محیط نرم‌افزار spss صورت گرفته است. ابزار اصلی برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن (روایی صوری) پس از اعمال اصلاحات لازم توسط کارشناسان مربوط و استادان متخصص به تأیید رسید.

این پرسشنامه در ۳ قسمت طراحی گردید. به این صورت که بخش اول آن مربوط به ویژگی‌های شخصی پاسخگویان (سن، شغل، تحصیلات، درآمد و...) بود، بخش دوم به گویه‌های مربوط به هویت مکانی اختصاص داشت که در طیف ۵ قسمتی لیکرت طراحی شد و بخش سوم پرسشنامه مربوط به شاخص‌های مشارکت روستاییان در روند تهیه و اجرای طرح هادی در روستاهای مورد مطالعه بود. در مجموع روند تجزیه و تحلیل داده‌ها به این صورت بود که ویژگی‌های هویت مکانی در بین روستاهای مورد مطالعه با استفاده از جداول توزیع فراوانی و آزمون t تک نمونه‌ای مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. برای اطلاع از رتبه روستا در زمینه هویت مکانی و مشارکت روستاییان در روند تهیه و اجرای طرح هادی از روش تصمیم چند معیاره ویکوو

تأثیر هویت مکانی بر مشارکت روستاییان در روند... ۱۵

استفاده شد. در ادامه برای ارزیابی تأثیر هویت مکانی (متغیر مستقل پژوهش) روند تهیه و اجرای طرح هادی (متغیر وابسته پژوهش) با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مدل تأثیرات هویت مکانی بر روند تهیه و اجرای طرح هادی با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت.

جامعه آماری در دو سطح روستا و سرپرست خانوار می‌باشد. دهستان تبادکان از توابع بخش مرکزی شهرستان مشهد در حاشیه کلان‌شهر مشهد واقع و دارای ۸۶ روستای دارای سکنه است. جامعه آماری این پژوهش ۱۷ روستا بود که در طرح هادی در آن‌ها اجرا شده بود که از بین آن‌ها ۱۰ روستا که طرح هادی در طی ۱۰ سال اخیر در آن‌ها اجرا شده بود با جمعیت ۳۲۴۵۰ نفر و تعداد ۹۴۵۳ خانوار به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با میزان خطای ۷,۵٪ تعداد ۱۶۸ نمونه در ۱۰ روستا مورد مطالعه انتخاب شد (جدول شماره ۱).

جدول ۱- تعداد روستاها و نمونه‌های مورد مطالعه

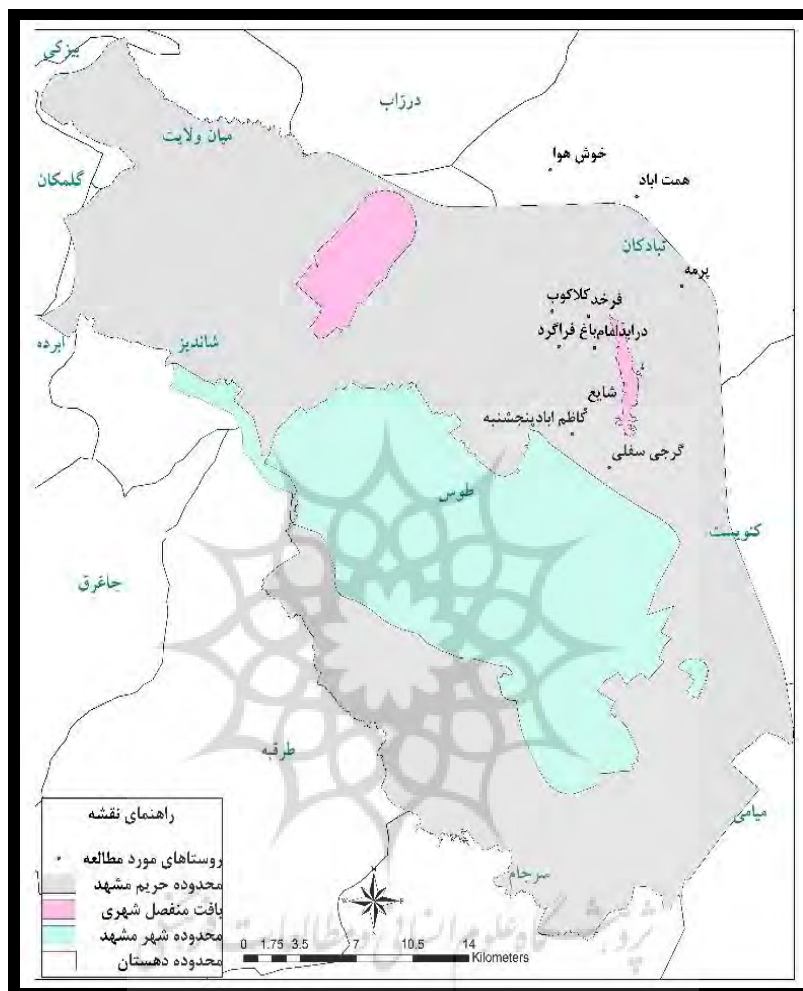
نام روستا	نام دهستان	خانوار ۹۵	جمعیت ۹۵	حجم نمونه
همت‌آباد	تبادکان	۴۷۷	۱۶۲۱	۱۳
گرچی سفلی	تبادکان	۴۳۲۱	۱۵۱۶۳	۴۱
کلاکوب	تبادکان	۳۹۹	۱۲۷۲	۱۴
کاظم‌آباد پنجشنبه	تبادکان	۸۷۴	۳۱۰۲	۱۶
پرمه	تبادکان	۸۵۶	۲۸۰۹	۱۶
شایع	تبادکان	۳۴۲	۱۱۷۱	۱۲
درابد شاهزاده (درابد امام)	تبادکان	۵۶۰	۱۹۳۲	۱۴
باغ فراگرد	تبادکان	۲۱۲	۶۵۲	۱۲
خوش‌هوا	تبادکان	۲۰۹	۷۲۰	۱۲
فرخد	تبادکان	۱۲۰۳	۳۹۷۷	۱۹
جمع				۱۶۸

(مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

به‌منظور بررسی پایایی ابزار مورد استفاده، یک مطالعه راهنما (پیش‌آزمون) با تعداد ۱۵ پرسشنامه در روستاهای مورد مطالعه انجام گرفت و ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر هویت مکانی برابر ۰/۹۷ و تهیه و اجرای طرح‌های هادی برابر با ۰/۸۴ به‌دست آمده است. همچنین میزان پایایی در هر یک از شاخص‌ها به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۲- گویه‌ها و مقادیر آلفای کرونباخ ابعاد هویت مکانی

آلفای کرونباخ	گویه‌ها	ابعاد
۰/۷۷	ویژگی خاصی داشتن روستا، احساس افتخار به زندگی در این روستا، احساس مثبت داشتن به این روستا، داشتن یک ویژگی منحصربه‌فرد، احساس متفاوت بودن نسبت به دیگران	تمایز
۰/۹۱	احساس روانی مثبت در این روستا، احساس غربت نداشتن، احساس لذت از رابطه خویشاوندی با دیگران، احساس کمبود کردن موقع دور بودن از این روستا، ترجیح دادن زندگی در این روستا	تداوم
۰/۹۶	وابسته به زندگی در این روستا، از زندگی در این روستا احساس رضایت و خوشحالی دارم، تأمین کردن نیازهای ضروری از این روستا، زندگی در این روستا باعث امید به زندگی، احساس دل‌بستگی داشتن به این روستا، احساس غرور داشتن در این روستا، مشارکت در طرح‌های عمرانی روستایی، تمایل به سرمایه‌گذاری در صورت دل‌نشین منابع مالی	عزت نفس
۰/۹۲	احساس آرامش با زندگی در این روستا، احساس راحتی و آسایش با زندگی در این روستا، ایمن بودن مسیرهای دسترسی این روستا، ایمن بودن ساختمان و مسکن این روستا، احساس امنیت در این روستا، اعتماد به مدیر روستا	خودکارآمدی
۰/۹۷	هویت مکانی	



شکل ۲- معرفی منطقه مورد مطالعه

جدول ۳- ابعاد بررسی متغیر مشارکت روستاییان در روند تهیه و تصویب اجرای طرح‌های هادی

آلفای کرومباخ	گویه‌ها	ابعاد	
۰/۸۲	<p>شرکت در جلسات تصویب طرح هادی، ارائه پیشنهادها به دهیار و شورای روستا جهت اعمال در فرآیند تهیه و تصویب طرح هادی، ارائه مسائل و مشکلات اصلی روستا به مشاور طرح، کمک در به هنگام‌سازی نقشه‌های روستا به مشاور طرح، کمک در تعیین محدوده روستا و اراضی کشاورزی پیرامون روستا، معرفی بافت روستا به مشاور و مجریان طرح، معرفی توانمندی‌ها و موقعیت‌های ویژه روستا به مشاور و مجریان طرح، معرفی ویژگی‌های جمعیتی روستا به مشاور و مجریان طرح، معرفی وضعیت اقتصادی روستا به مشاور و مجریان طرح، معرفی وضعیت اجتماعی - فرهنگی روستا به مشاور و مجریان طرح، کمک در تعیین کاربری‌های روستایی در محدوده بافت کالبدی، کمک به معرفی پهنه‌های آسیب‌پذیر در برابر خطر سوانح طبیعی، معرفی بافت‌های فرسوده روستایی به مشاور و مجریان طرح و ارائه مسائل و مشکلات شبکه معابر روستا به مشاور و مجریان طرح.</p>	تهیه، تصویب و تصمیم‌گیری	مشارکت در طرح‌های هادی
۰/۸۷	<p>ارائه مشورت فکری به مجریان و پیمانکار برای اجرای طرح، تأمین نیروی کار فیزیکی (با دستمزد)، تأمین نیروی کار فیزیکی (بدون دستمزد)، تأمین فضا و زمین برای اجرای طرح، تأمین تجهیزات، ابزار و ادوات برای اجرای طرح، تأمین مواد و مصالح برای اجرای طرح، کمک به توسعه و تعریض شبکه معابر روستا، کمک در بهسازی معابر موجود (جدول‌گذاری، احداث پیاده‌رو)، تأمین منابع آب برای اجرای طرح، تأمین انرژی برق برای اجرای طرح، تأمین منابع و سرمایه برای اجرای طرح، مشارکت در فرایند مقاوم‌سازی مسکن روستایی، کمک در بهبود الگوی ساخت‌وساز روستایی پس از اجرای طرح، رعایت ضوابط فنی و مقررات در ساخت‌وسازها پس از اجرای طرح، کمک در جمع‌آوری و دفع هر چه بهتر زباله‌ها و پسماندهای خانگی، کمک در دفع و هدایت آب‌های سطحی از سطح معابر روستا، کمک در گسترش فضای سبز در روستا، کمک در تغییر منظر و زیباسازی محیط روستا.</p>	اجرا	

آلفای کرونباخ	گویه‌ها	ابعاد	
۰/۷۵	نظارت بر مراحل اجرایی طرح هادی، نظارت بر کیفیت عملیات اجرایی، کنترل بر مراحل اجرای طرح هادی، کنترل بر منابع مصرفی، بودجه و غیره در اجرای طرح، بررسی و ارزیابی نتایج و اثرات اجرای طرح، تلاش در نگهداری و مراقبت از تأسیسات و خدمات ایجاد شده از طریق طرح هادی (مثل جاده‌ها، فضای سبز ایجاد شده و ...).	نظارت و نگهداری	

منبع: عنابستانی و اکبری (۱۳۹۱)؛ رضایی و صفا (۱۳۹۲)؛ سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، (۱۳۸۵)؛ رضایی و صفا (۱۳۹۲)؛ ابراهیمی (۱۳۸۶)

یافته‌های تحقیق

به‌طورکلی نتایج نشان داد که میانگین سنی پاسخگویان ۳۶ سال می‌باشد که از این میان حدود ۸۴/۵ درصد را مردان تشکیل داده و ۷۹/۲ درصد نیز متأهل بوده‌اند. از نظر سطح تحصیلات ۳/۶ درصد بی‌سواد، ۳۵/۷ درصد ابتدایی، ۲۹/۸ درصد راهنمایی، ۱۶/۸ درصد مقطع دیپلم، ۱۲/۵ درصد فوق‌دیپلم و ۱/۸ درصد دارای مدرک لیسانس بوده‌اند. از نظر وضعیت شغلی نیز مشخص گردید که ۱۵/۵ درصد پاسخگویان خانه‌دار، ۲/۴ درصد مغازه‌دار، ۷۳/۸ درصد دارای مشاغل آزاد، ۴/۲ درصد بازنشسته و ۵ درصد دارای سایر مشاغل بوده‌اند. میانگین متراژ واحدهای مسکونی منطقه مورد مطالعه ۶۰ مترمربع و کمترین متراژ ۵۰ و بالاترین متراژ ۱۱۰ مترمربع است. بررسی وضعیت مالکیت در بین پاسخگویان نیز نشان می‌دهد که ۷۶/۸ درصد دارای مالکیت شخصی، ۱۷/۳ درصد استیجاری و ۳ درصد در منازل اشتراکی سکونت دارند. از نظر سطح درآمدی نتایج نشان داد که بیش‌ترین میانگین به گروه درآمدی ۲ میلیون تومان است که ۳۴ درصد از افراد را به خود اختصاص

داده است. همچنین نتایج سابقه سکونتی افراد در روستا نشان می‌دهد که $73/2$ درصد پرسش‌شوندگان بیش از ۲۰ سال در روستا سکونت داشته‌اند.

یکی از روش‌های عددی در تشخیص و وضعیت نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون چولگی می‌باشد. شاخص چولگی با نماد S_K ، که به شاخص انحراف از قرینگی نیز معروف است، میزان تقارن یک توزیع را اندازه‌گیری می‌کند. ضریب چولگی بین ۳- و ۳+ تغییر می‌کند و در عمل به‌ندرت به حد خود نزدیک می‌شود. خطای استاندارد ضریب چولگی، در واقع به آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها نیز می‌پردازد. بدین صورت که اگر مقدار این خطا کوچک‌تر از ۲- و یا بزرگ‌تر از ۲+ باشد، در آن صورت فرض نرمال بودن داده‌ها رد می‌شود. بر اساس آزمون چولگی انجام شده در خصوص برخوردار بودن داده‌های تحقیق از توزیع نرمال، خطای استاندارد ضریب چولگی برابر با $0/187$ گزارش گردید. چنانکه تمامی ضرایب چولگی متغیرهای تحقیق در بازه ۳- تا ۳+ قرار دارند. ضریب منفی نشان از چولگی داده‌ها به چپ، و ضریب مثبت نشان از چولگی داده‌ها به راست دارند. همچنین، ضریب خطای استاندارد در سطح $0/187$ در بازه ۲- تا ۲+ برآورد گردید. بنابراین، داده‌ها بر مبنای ضریب چولگی و خطای استاندارد از توزیع نرمالی در آزمون چولگی برخوردارند.

بررسی وضعیت هویت مکانی روستاییان در منطقه مورد مطالعه

برای بررسی وضعیت میزان هویت مکانی توسط روستاییان با توجه به نرمال بودن شاخص‌های هویت مکانی از آزمون T تک نمونه‌ای (جدول شماره ۴) استفاده شده است. میانگین محاسبه‌شده متغیرهای هویت مکانی و در ابعاد و شاخص‌های آن با میانگین فرضی (۳) سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین

تأثیر هویت مکانی بر مشارکت روستاییان در روند... ۲۱

واقعی نظر کل پاسخگویان در ابعاد تمایز (۲/۲۷)، تداوم (۲/۶۰)، عزت نفس (۲/۲۸) و خودکارآمدی (۲/۴۹) از ۳ کمتر و در حد متوسط به پایین است و با توجه به میزان معناداری به دست آمده برای این متغیر و ابعاد آن؛ که کمتر از ۰/۰۵ است معنادار بوده و قابل تعمیم به کل جامعه است. همچنین اختلاف از میانگین و حد بالا و پایین شاخص هویت مکانی منفی بوده است. بدین معنی که میانگین جامعه در این متغیر و شاخص های آن کمتر از مقدار مورد آزمون (عدد ۳) می باشد؛ که این نتیجه گویای این می باشد که در روستاهای مورد بررسی وضعیت هویت مکانی در وضعیت مناسبی قرار نگرفته است.

جدول ۴- بررسی وضعیت هویت مکانی توسط روستاییان

مقایسه میانگین ها	اختلاف میانگین		سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین	آماره T	ابعاد
	حد پایین	حد بالا					
	-۰/۸۶۲	-۰/۶۰۸	-۰/۷۳۵	۰/۰۰۰	۰/۸۴	-۱۱/۴۲	تمایز
	-۰/۵۳۹	-۰/۲۵۷	-۰/۳۹۸	۰/۰۰۰	۰/۹۱	-۵/۵۹	تداوم
	-۰/۸۶۳	-۰/۵۸۷	-۰/۷۲۵	۰/۰۰۰	۰/۹۰	-۱۰/۳۸	عزت نفس
	-۰/۶۲۶	-۰/۳۸۶	-۰/۵۰۶	۰/۰۰۰	۰/۷۸	-۸/۳۴	خودکارآمدی
	۲/۲۶۷	۲/۵۱۵	۲/۳۹۱	۰/۰۰۰	۰/۸۰۵	۲۵/۴۸۴	هویت مکانی

(مأخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۸)

با توجه به مقادیر میانگین، مشاهده می شود که ضریب ادراک روستاییان از هویت مکانی (۲/۴۹)، بسیار پایین است و کمترین میزان در ابعاد مربوط به بُعد تمایز (۲/۲۷)، و بیشترین این مقدار مربوط به بُعد تداوم (۲/۶۰)، می باشد. این مقادیر گویای این مطلب است که دیگر مکان روستا قابلیت خود را به عنوان یک عنصر هویت بخش و معنادار از دست داده است که البته به صراحت می توان دلیل این امر را در وهله اول موضوعات اقتصادی دانست که به دلیل تغییرات زیست محیطی مانند خشکسالی های

پایپی، تهدیدات جدی را برای ساکنین به دنبال داشته است. هنگامی که، پیوند میان فرد با مکان روستا ضعیف گردد، دیگر تمایلی برای فرد باقی نمی‌ماند که بخواهد برای توسعه و آبادانی روستا تلاشی انجام دهد. زمانی که از سوی سازمان‌های مسئول بالادستی هیچ‌گونه حمایتی از مناطق روستایی در راستای توسعه آن صورت نگیرد، سطح تاب‌آوری روستاییان کاهش می‌یابد و اقدام به ترک روستا و مهاجرت به شهرهای پیرامون می‌کنند، که این وضعیت در ارتباط با روستاهای دهستان تبادکان قابل رؤیت می‌باشد. چنانکه، نرخ مهاجرت از روستاها به شهر مشهد در طی دهه اخیر رشد بی‌سابقه‌ای داشته است. این موضوع نشان می‌دهد که تا چه حد مسائل اقتصادی می‌تواند بر عنصری اجتماعی - روان‌شناختی مانند هویت اثرگذار باشد.

جدول ۵- محاسبه مقدار Q و رتبه‌بندی نهایی هویت مکانی در بین روستاهای مورد مطالعه

رتبه	Q	خودکارآمدی	عزت نفس	تداوم	تمایز	نام روستا
۱	۱	۴.۲	۱.۲	۳.۲	۸.۲	کاظم‌آباد
۲	۸۴.۰	۱.۳	۳	۷.۲	۵.۲	درابد
۳	۷۸.۰	۷.۱	۵.۱	۲	۷.۱	گرچی سفلی
۴	۶۲.۰	۴.۲	۷.۱	۶.۲	۲	همت‌آباد
۵	۵۶.۰	۹.۲	۸.۲	۱.۳	۵.۲	شایع
۶	۵۳.۰	۱.۲	۷.۱	۸.۱	۶.۱	خوش‌هوا
۷	۴۶.۰	۳	۷.۲	۵.۳	۹.۲	باغ فراگرد
۸	۴۵.۰	۱.۳	۹.۲	۳	۲.۲	کلاکوب
۹	۱۰.۰	۴.۳	۵.۳	۸.۳	۳.۳	فرخد
۱۰	۰۰.۰	۳.۲	۱.۲	۳.۲	۹.۱	پرمه

در ادامه برای تحلیل شاخص‌های هویت مکانی در نواحی روستایی از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره ویکور استفاده شد. میانگین محاسبه‌شده برای Q در ۱۰

روستای مورد مطالعه در جدول (۵)، برابر با ۰/۵۳۴ به دست آمده که نشان می‌دهد در مجموع ارزش‌های محیط‌زیستی در روستاهای مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط است. همان‌طور نتایج نشان می‌دهد که بر اساس مقدار Q از نظر ابعاد هویت مکانی، روستای کاظم‌آباد پنجمین (Q= 1) در بدترین وضعیت با رتبه اول و روستای پرمه (Q= 00/0) با رتبه دهم در بهترین وضعیت قرار دارد. چنان‌که مشاهده می‌شود، تنها روستای فرخ‌د در تمام ابعاد هویت مکانی مقادیری بالای ۳ به دست آورده است. اما آنچه که مشهود است، روستاهای کاظم‌آباد، درآباد، گرجی سفلی، همت‌آباد، شایع و خوش‌هوا در وضعیت بسیار بدتری به لحاظ هویت مکانی قرار دارند.

بررسی وضعیت مشارکت روستاییان در روند تهیه و اجرای طرح‌های هادی

برای بررسی وضعیت مشارکت روستاییان در منطقه مورد مطالعه بین روستاییان از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است میانگین محاسبه‌شده متغیرهای مشارکت روستاییان در ابعاد و شاخص‌های آن با میانگین فرضی (۳) سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین واقعی نظر کل پاسخگویان در ابعاد تهیه، تصویب و تصمیم‌گیری، اجراء، نظارت و نگهداری از ۳ کمتر و در حد متوسط به پایین است و با توجه به میزان معناداری به دست آمده برای این متغیر و شاخص‌های آن، که کمتر از ۰/۰۵ است؛ معنادار بوده و قابل تعمیم به کل جامعه است. همچنین اختلاف از میانگین و حد بالا و پایین شاخص روند تهیه و اجرای طرح‌های هادی منفی بوده است. بدین معنی که میانگین جامعه در این متغیر و شاخص‌های آن کمتر از مقدار مورد آزمون (عدد ۳) می‌باشد؛ که این نتیجه گویای این می‌باشد که در روستاهای مورد بررسی وضعیت مشارکت روستاییان در وضعیت مناسبی قرار نگرفته است.

جدول ۶- بررسی وضعیت مشارکت روستاییان در روند تهیه و اجرای طرح‌های هادی

شرح	آماره t	سطح معناداری	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	مقایسه میانگین‌ها	
						حد پایین	حد بالا
تهیه و تصویب	-۵۳/۵۷	۰/۰۰	۱/۴۱	۰/۳۸	-۱/۵۹۴	-۱/۶۵۳	-۱/۵۳۵
اجرا	-۰/۷۸	۰/۰۳۶	۲/۹۷	۰/۴۷	-۰/۰۳۰	-۰/۱۰۶	۰/۰۴۶
نظارت و نگهداری	۴/۰۶	۰/۰۰	۳/۲۷	۰/۸۳	۰/۲۶۸	۰/۱۳۶	۰/۳۶۸
مشارکت در طرح‌های هادی	-۲۵/۸۱۴	۰/۰۰۰	۲/۵۹۱۲	۰/۲۰۲۵۸	-۰/۴۰۸۸۳	-۰/۳۷۷۶	-۰/۴۴۰۱

(مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

با توجه به یافته‌های جدول (۶)، در ارتباط با وضعیت مشارکت روستاییان در ارتباط با طرح‌های هادی، نشان‌دهنده این مطلب است که بُعد تهیه و تصویب با مقدار میانگین ۱/۴۱ نشان از میزان بسیار پایین مشارکت و یا در واقع مشارکت ندادن روستاییان در تهیه و تصویب طرح‌ها از سوی مسئولان طرح‌ها می‌باشد. یکی از مواردی که حتی در سازمان‌ها برای افزایش مشارکت کارکنان در فعالیت‌های سازمانی به‌ویژه در ساختارهای غیرمتمرکز مورد توجه قرار می‌گیرد، دخالت دادن کارکنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌باشد که این امر باعث افزایش رضایتمندی و عملکرد آنان می‌گردد. مطابق با این موضوع، عدم مداخله روستاییان در مرحله تهیه و تصویب که اگرچه فرآیندی تخصصی می‌باشد، اما اینکه حتی از روستاییان نظرخواهی نمی‌شود و نیازهای واقعی روستا و مشکلاتی که در توسعه روستا با آن دست‌به‌گریبان هستند مورد توجه قرار نمی‌گیرند، باعث می‌شود که میزان مشارکت در بُعد تهیه و تصویب، پایین بیاید. البته این مقدار میانگین ۱/۴۱ در بُعد تهیه و تصویب هم نشان‌دهنده میل پایین روستاییان است و هم حکایت از یک واقعیتی است که به‌هیچ‌عنوان نظرات روستاییان مورد توجه در طرح‌های هادی قرار نمی‌گیرد. اما در بُعد اجرا (۲/۹۷) وضعیت به نسبت بهتر است و نشان می‌دهد که اگرچه مسئولان طرح‌های هادی توجهی به نظر روستاییان

تأثیر هویت مکانی بر مشارکت روستاییان در روند... ۲۵

در مرحله تهیه و تصویب ندارند، اما خود روستاییان در مرحله اجرا نشان می‌دهند که تمایل بیشتری برای مشارکت دارند. به طوری که در بُعد نظارت و نگهداری با مقدار میانگین ۳/۲۷ شرایط به مراتب بهتر است. اما در مجموع، مقدار میانگین مشارکت در طرح‌های هادی روستایی از سوی ساکنین برابر با ۲/۵۹ می‌باشد و اساساً جز در برخی روستاها و در بخشی از فرآیند طرح، چندان تمایل بالایی را برای مشارکت نشان نمی‌دهند.

در ادامه برای تحلیل شاخص‌های مشارکت‌های روستاییان در روند تهیه و اجرای طرح‌های هادی در نواحی روستایی از مدل تصمیم‌گیری چند معیاره و یکور استفاده شد. میانگین محاسبه شده برای Q در ۱۰ روستای مورد مطالعه برابر با ۰/۵۳۴ به دست آمده که نشان می‌دهد در مجموع ارزش‌های روند تهیه و اجرا در روستاهای مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط است. همان‌طور نتایج نشان می‌دهد که بر اساس مقدار Q از نظر ابعاد روند تهیه و اجرا، روستای گرجی سفلی (۰/۶۴) در بدترین وضعیت با رتبه دهم و روستای درابد شاهزاده (۰/۳۴) با رتبه یکم در بهترین وضعیت قرار دارد. در مجموع، میزان طرح‌های هادی در دهستان تبادلگان جوابگوی نیازها و مشکلات روستاها نمی‌باشد. بماند اینکه همین طرح‌های انجام شده نیز چندان نتوانستند اهداف خود را تحقق بخشند و صرفاً اهداف بر روی کاغذ مانده است.

جدول ۷- محاسبه مقدار Q و رتبه‌بندی نهایی مشارکت روستاییان در روند تهیه و اجرای

طرح‌های هادی

رتبه	Q	نظارت	اجرا	تهیه و تصویب	نام روستا
۱	۰/۳۴	۴/۳	۳/۴	۱/۳	درابد
۲	۰/۴۲	۴/۳	۳/۶	۱/۵	پرمه
۳	۰/۴۴	۳/۱	۲/۶	۱/۸	فرخد
۴	۰/۵۰	۳/۱	۲/۹	۱/۴	باغ فراگرد

۵	۰/۵۱	۳	۲/۶	۱/۶	کلاکوب
۶	۰/۵۲	۳	۲/۹	۱/۱	شایع
۷		۳	۲/۷	۱/۴	کاظم‌آباد
۸	۰/۶۴	۳	۲/۷	۱/۴	همت‌آباد
۹	۰/۷۱	۴/۳	۳/۶	۱/۴	خوش‌هوا
۱۰	۰/۶۴	۲/۷	۲/۹	۱/۳	گرچی سفلی

اثرگذاری هویت مکانی بر مشارکت روستائیان در فرآیند طرح هادی با استفاده

از معادلات ساختاری

به منظور اعتباریابی روابط علی غیرآزمایشی بین متغیرها در قالب تجزیه و تحلیل چندمتغیره، تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) به روش حداقل مربعات جزئی (PLS) به کار گرفته شد.

الگوریتم تحلیل داده‌ها در PLS شامل سه بخش:

- شاخص‌های مدل اندازه‌گیری مانند: روایی همگرا (سطح بحرانی ۰/۵)، پایایی ترکیبی (سطح ۰/۷) و روایی تشخیصی یا واگرا

- شاخص‌های مدل ساختاری مانند: ضریب تعیین (R^2) متغیرهای مکنون درون‌زا (سه سطح ۰/۱۹ ضعیف، ۰/۳۳ متوسط، ۰/۶۷ قوی)، ضرایب مسیر (بتا)، ضرایب معناداری ($Z\text{-Value}=۹۶/۱$ سطح معناداری ۹۵ درصد اطمینان) و ضریب Q^2 برای متغیرهای درون‌زای مدل (سه سطح ۰/۰۲ ضعیف، ۰/۱۵ متوسط، ۰/۳۵ قوی)

- معیار آزمون مدل کلی (GOF) (سه سطح ۰/۰۱ ضعیف، ۰/۲۵ متوسط، ۰/۳۶ قوی)

در بخش شاخص‌های مدل اندازه‌گیری اصلی‌ترین معیار روایی همگرا یا همان AVE می‌باشد که بایستی به سطح بحرانی ۰/۰۵ برسد، که نشان‌دهنده همسانی یا اعتبار درونی مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی می‌باشد. در جدول ۸ مقادیر مربوط به روایی همگرا و پایایی مرکب هر سازه آورده شده است.

جدول ۸- مقادیر روایی همگرا، پایایی مرکب و آلفای کرونباخ

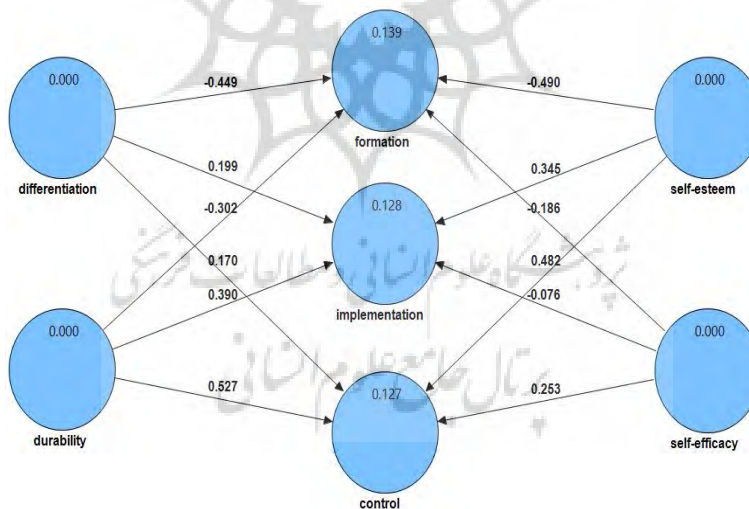
متغیر	بعد	روایی همگرا (AVE)	پایایی مرکب (CR)	آلفای کرونباخ
هویت مکانی	تمایز	۰/۶۴۱	۰/۸۷۷	۰/۸۴۱
	تداوم	۰/۶۲۱	۰/۹۱۸	۰/۹۱۳
	عزت نفس	۰/۷۵۰	۰/۹۶۴	۰/۹۵۹
	خودکارآمدی	۰/۶۸۰	۰/۹۳۶	۰/۹۲۲
مشارکت در طرح‌های هادی	تهیه و تصویب	۰/۵۳۳	۰/۸۹۸	۰/۸۸۶
	اجرا	۰/۵۰۰	۰/۸۵۴	۰/۸۱۰
	نظارت و نگهداری	۰/۵۹۶	۰/۸۵۳	۰/۷۸۰

ضریب AVE در جدول ۸ برای تمام متغیرها، بالای ۰/۵ می‌باشد، که این مقادیر همگرایی قابل‌قبولی را نشان می‌دهند. سازه عزت‌نفس از ابعاد هویت مکانی با مقدار $AVE=0/750$ و خودکارآمدی با مقدار $AVE=0/680$ بالاترین میزان روایی همگرا را به خود اختصاص داده‌اند. در ارتباط با متغیر مشارکت در طرح‌های هادی ضریب AVE در بُعد نظارت و نگهداری با مقدار $0/596$ بیشترین روایی همگرا را از خود نشان داده است. با توجه به اینکه معیار CR به مراتب بهتر از آلفای کرونباخ است، یافته‌ها در جدول ۸ نیز نشان می‌دهد که تمام مقادیر CR برای همه سازه‌ها بالای ۰/۷ می‌باشد و از پایایی درونی بسیار مناسبی برخوردار هستند. در روایی تشخیصی یا واگرا، میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه و میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با سازه‌های دیگر مقایسه می‌گردد. برای سنجش روایی واگرای پرسشنامه از معیار فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده شده است. روایی تشخیصی در واقع مکمل روایی همگرا است که نشان‌دهنده تمایز نشانگرهای یک متغیر پنهان از سایر نشان‌گرها در همان مدل ساختاری می‌باشد. از معیار از جذر مقادیر AVE سازه‌های تحقیق به دست می‌آید.

جدول ۹- ماتریس سنجش روایی واگرا به روش فورنل و لارکر

عامل	تمایز	تداوم	عزت نفس	خودکارآمدی	تهیه و تصویب	اجرا	نظارت و نگهداری
تمایز	۰/۸۰۱						
تداوم	۰/۵۱۴	۰/۷۸۸					
عزت نفس	-۰/۴۹۴	-۰/۳۵۰	۰/۸۶۶				
خودکارآمدی	-۰/۳۲۶	-۰/۳۱۹	۰/۵۰۸	۰/۸۲۵			
تهیه و تصویب	-۰/۱۷۱	-۰/۰۹۹	-۰/۰۴۵	-۰/۰۵۷	۰/۷۳۰		
اجرا	۰/۲۹۸	۰/۳۲۱	-۰/۲۱۴	-۰/۲۲۷	-۰/۵۰۶	۰/۷۰۷	
نظارت و نگهداری	۰/۰۳۴	۰/۰۵۰	۰/۱۲۸	۰/۱۳۵	۰/۱۷۱	-۰/۱۴۸	۰/۷۷۲

همان‌گونه که در جدول ۹ دیده می‌شود تمام عوامل ارتباط بیشتری را با خودشان دارند. بدین معنی که این عوامل تعامل بیشتری را با شاخص‌های خودشان در مدل دارند و روایی واگرای سازه‌های تحقیق، تأیید می‌گردد.



شکل ۳- ضرایب مسیر (β) و ضرایب تعیین (R²) سازه‌های مدل مفهومی تحقیق

در واقع ضریب تعیین نشان از تأثیری دارد که یک یا چند متغیر مستقل بر متغیر وابسته دارد و هرچه میزان این ضریب بیشتر باشد دلالت بر تبیین بیشتر متغیر وابسته از سوی متغیر یا متغیرهای مستقل دارد. چنانکه در شکل شماره (۳) نشان داده شده است، ضریب R^2 برای سازه تهیه و تصویب (formation) مشارکت روستاییان در طرح‌های هادی برابر با ۰/۱۳۹، اجرا (implementation=۰/۱۲۸) و نظارت و نگهداری (control=۰/۱۲۷) می‌باشد. بدین معنا که این ابعاد به واسطه اثرگذاری متغیرهای مستقل مربوط به خود یعنی ابعاد هویت مکانی (تمایز (differentiation)، تداوم (durability)، عزت نفس (self-esteem) و خودکارآمدی (self-efficacy) توانسته‌اند به میزان ۱۳/۹، ۱۲/۸ و ۱۲/۷ درصد از تغییرات مربوط به سازه خود را تبیین نمایند. در ارتباط با مقادیر بتا یا همان ضرایب مسیر می‌توان عنوان نمود که بیانگر اثرگذاری مستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته به صورت جداگانه است. بدین معنا که متغیر مستقل تا چه میزان توانسته است بر متغیر وابسته اثرگذار باشد. در واقع، ضریب بتا سهم نسبی هر متغیر مستقل در پیش‌بینی تغییرات مربوط به متغیر وابسته را گزارش می‌کند. در جدول زیر، ضرایب مسیر میان سازه‌های تحقیق آورده شده است.

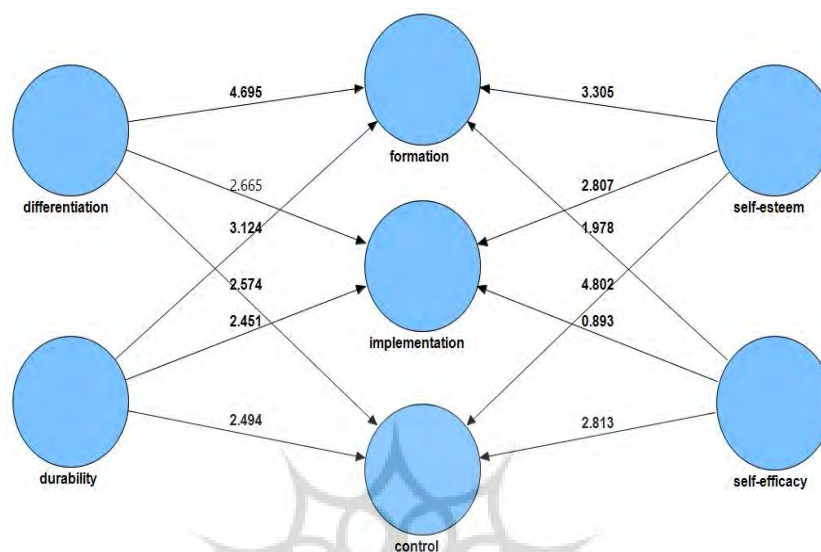
جدول ۱۰- ضرایب مسیر میان سازه‌های مدل مفهومی تحقیق

متغیر	تهیه و تصویب	اجرا	نظارت و نگهداری
تمایز	-۰/۴۴۹	۰/۱۹۹	۰/۱۷۰
تداوم	-۰/۳۰۲	۰/۳۹۰	۰/۵۲۷
عزت نفس	-۰/۴۹۰	۰/۳۴۵	۰/۴۸۲
خودکارآمدی	-۰/۱۸۶	-۰/۰۷۶	۰/۲۵۳

چنان که مشاهده می‌شود، میزان اثرگذاری ابعاد تمایز و تداوم بر مشارکت روستاییان در تهیه و تصویب طرح‌های هادی بیش از دو بُعد دیگر می‌باشد. این میزان

اثرگذاری مستقیم برای بُعد تمایز برابر با $0/449-$ و عزت نفس $0/490-$ در ارتباط با تهیه و تصویب می‌باشد. منفی بودن ضریب مسیر به معنای رابطه معکوس میان دو سازه است. بدین معنی که با افزایش در سازه تمایز به میزان یک واحد شاهد کاهش در سازه مشارکت روستاییان در تهیه و تصویب طرح‌های هادی به میزان $0/449-$ خواهیم بود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در ارتباط با بُعد تهیه و تصویب، تمام ابعاد هویت مکانی دارای اثرگذاری منفی و معکوس می‌باشند. اما در ارتباط با بُعد اجرای طرح‌های هادی، اثرگذاری دو بُعد تداوم ($0/390$) و عزت نفس ($0/345$)، دارای ضریب مسیر بالاتری نسبت به متغیر وابسته هستند. همچنین در خصوص، بُعد نظارت و نگهداری نیز دو بُعد تداوم ($0/527$) و عزت نفس ($0/482$)، بیشترین میزان ضریب مسیر را دارا می‌باشند. با توجه به دو بُعد اجرا و نظارت و نگهداری طرح‌های هادی، ضرایب مسیر در این باره مقادیر مثبت و افزایشی را نشان می‌دهند (جز در رابطه میان خودکارآمدی و اجرا ($0/076-$) که از سطح حداقل ضریب مسیر $0/10$ پایین‌تر می‌باشد).

در ارتباط با ضرایب معناداری یا همان Z-value هنگامی که رابطه بین سازه‌ها از مقدار $1/96$ بیشتر باشد نشان از صحت رابطه میان سازه‌ها دارد. در شکل (شماره ۴) تمام مسیرهای مدل جز در رابطه میان خودکارآمدی و بُعد اجرا ($0/893$) که کمتر از سطح $1/96$ می‌باشد، سایر روابط نشان از معنی‌داری روابط میان سازه‌های مدل دارند.



شکل ۴- ضرایب معناداری Z در روابط میان سازه‌های مدل مفهومی تحقیق

در جدول زیر ضرایب Z در ارتباط میان سازه‌های مدل مفهومی تحقیق آورده شده است.

جدول ۱۱- ضرایب معناداری Z میان سازه‌های مدل مفهومی تحقیق

متغیر	تهیه و تصویب	نتیجه	اجرا	نتیجه	نظارت و نگهداری	نتیجه
تمایز	۴/۶۹۵	بالاتر از ۱/۹۶	۲/۶۶۵	بالاتر از ۱/۹۶	۲/۵۷۴	بالاتر از ۱/۹۶
تداوم	۳/۱۲۴	بالاتر از ۱/۹۶	۲/۴۵۱	بالاتر از ۱/۹۶	۲/۴۹۴	بالاتر از ۱/۹۶
عزت نفس	۳/۳۰۵	بالاتر از ۱/۹۶	۲/۸۰۷	بالاتر از ۱/۹۶	۴/۸۰۲	بالاتر از ۱/۹۶
خودکارآمدی	۱/۹۷۸	بالاتر از ۱/۹۶	۰/۸۹۳	پایین تر از ۱/۹۶	۲/۸۱۳	بالاتر از ۱/۹۶

معیار بعدی، ضریب Q^2 می‌باشد که هدف آن توانایی مدل ساختاری در پیش‌بینی کردن به روش چشم‌پوشی می‌باشد. معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین معیار اندازه‌گیری این توانایی، شاخص Q^2 استون - گایسلر است که بر اساس این ملاک مدل باید نشانگرهای متغیرهای مکنون درون‌زای انعکاسی را پیش‌بینی کند. هنسلر و همکارانش (۲۰۰۹) در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد متغیرهای پنهان درون‌زا، سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به ترتیب به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این شاخص معرفی نمودند. ضریب Q^2 در جدول زیر برای متغیرهای وابسته مدل گزارش شده است.

جدول ۱۲- قدرت پیش‌بین مدل، ضریب Q^2

SSE/SSO-۱	SSE	SSO	سازه
۰/۰۳	۱۳۲۸/۷۳۳	۱۳۴۴	تهیه و تصویب
۰/۰۲	۱۴۹۷/۱۴۲	۱۵۱۲	اجرا
۰/۰۲	۶۶۴/۴۶۷	۶۷۲	نظارت و نگهداری

همان‌طور که در جدول شماره (۱۲) نشان داده شده است، ضریب Q^2 برای ابعاد مشارکت روستاییان در طرح‌های هادی در سطح پیش‌بینی ضعیف برآزش شده است. این مقدار برای بُعد تهیه و تصویب ۰/۰۳؛ اجرا ۰/۰۲ و نظارت و نگهداری ۰/۰۲ برآورد شده است. در نتیجه، با توجه به موارد یادشده، نتایج روابط میان سازه‌های تحقیق در جدول زیر آورده شده است. چنانکه در جدول زیر مشاهده می‌شود، هر سه فرضیه تحقیق با توجه به بالا بودن مقدار Z-value از ۱/۹۶ تأیید می‌شوند.

جدول ۱۳- نتایج فرضیه‌ها و مقدار GOF

فرضیه	رابطه	ضریب مسیر	ضریب معناداری	نتیجه تحقیق
H1	تمایز — تهیه و تصویب	-۰/۴۴۹	۴/۶۹۵	حمایت از فرضیه
H2	تداوم — تهیه و تصویب	-۰/۳۰۲	۳/۱۲۴	حمایت از فرضیه
H3	عزت نفس — تهیه و تصویب	-۰/۴۹۰	۳/۳۰۵	حمایت از فرضیه
H4	خودکارآمدی — تهیه و تصویب	-۰/۱۸۶	۱/۹۷۸	حمایت از فرضیه
H5	تمایز — اجرا	۰/۱۹۹	۲/۶۶۵	حمایت از فرضیه
H6	تداوم — اجرا	۰/۳۹۰	۲/۴۵۱	حمایت از فرضیه
H7	عزت نفس — اجرا	۰/۳۴۵	۲/۸۰۷	حمایت از فرضیه
H8	خودکارآمدی — اجرا	-۰/۰۷۶	۰/۸۹۳	عدم حمایت از فرضیه
H9	تمایز — نظارت و نگهداری	۰/۱۷۰	۲/۵۷۴	حمایت از فرضیه
H10	تداوم — نظارت و نگهداری	۰/۵۲۷	۲/۴۹۴	حمایت از فرضیه
H11	عزت نفس — نظارت و نگهداری	۰/۴۸۲	۴/۸۰۲	حمایت از فرضیه
H12	خودکارآمدی — نظارت و نگهداری	۰/۲۵۳	۲/۸۱۳	حمایت از فرضیه

شاخص نیکویی برازش (GOF) به صورت میانگین $(R^2 = ۰/۱۳۱)$ و متوسط مقادیر اشتراکی $(۰/۶۱۷)$ محاسبه می‌شود.

$$GoF = \sqrt{Communalities \times R^2}$$

بدین ترتیب خواهیم داشت:

$$GoF = \sqrt{۰.۶۱۷ \times ۰.۱۳۱} = ۰.۱۰۳$$

بنابراین با توجه به سه مقدار $۰/۰۱$ ، $۰/۲۵$ و $۰/۳۶$ ؛ می‌توان ضریب $۰/۱۰۳$ را به عنوان برازش در سطح نسبتاً متوسط مدل در نظر گرفت.

تحلیل فضایی اثرات هویت مکانی بر روند مشارکت روستاییان در طرح‌های هادی

به منظور بررسی اثرات ابعاد هویت بر مشارکت، به تفکیک روستاهای مورد مطالعه، از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده ملاحظه می‌شود که ابعاد هویت مکانی، در روستای درابند، شایع، باغ فراگرد و همت‌آباد اثر معنی‌داری بر مشارکت ندارد، اما در روستای خوش‌هوا، پرمه، کاظم‌آباد، کلاکوب، گرجی سفلی و فرخند، رگرسیون انجام شده، معنی‌دار است، بر این اساس، در روستای خوش‌هوا، ۹۷/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط ابعاد هویت بیان می‌شود، در حالی که در روستای کلاکوب به ۶۹/۴ درصد می‌رسد.

جدول ۱۴- مقدار ضریب همبستگی، ضریب تعیین تعدیل‌شده و خطای برآورد رگرسیون به

تفکیک روستاها

نام روستا	مقدار ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد برآورد	دوربین واتسن	آماره F	سطح معنی‌داری مدل رگرسیون
خوش‌هوا	۰,۹۸۸	۰,۹۷۶	۰,۹۶۶	۰,۰۶۰۴۳	۲,۵۲۵	۱۰۶,۴۶۱	۰
پرمه	۰,۹۴۱	۰,۸۸۶	۰,۸۴۴	۰,۱۲۲۱۷	۲,۳۴۶	۲۱,۳۲۷	۰
درابند	۰,۸۲۸	۰,۶۸۶	۰,۵۲۸	۰,۱۲۶۱۳	۱,۶۴۹	۴,۳۶۱	۰,۰۵۹
شایع	۰,۴۳۲	۰,۱۸۷	-۰,۱۶۱	۰,۳۲۱۸۲	۱,۲۰۸	۰,۵۳۷	۰,۶۷۲
کاظم‌آباد	۰,۸۵۸	۰,۷۳۶	۰,۶۶۷	۰,۱۲۱۴	۲,۸۰۴	۱۱,۱۳۴	۰,۰۰۵
باغ فراگرد	۰,۴۷۷	۰,۲۲۸	۰,۰۳۴	۰,۱۸۲۹۷	۲,۹۱۳	۱,۱۷۸	۰,۳۳۹
همت‌آباد	۰,۸۱۷	۰,۶۶۷	۰,۵	۰,۱۶۲۴۱	۱,۹۷۹	۴,۰۰۴	۰,۰۷
کلاکوب	۰,۸۳۳	۰,۶۹۴	۰,۶۳۲	۰,۱۰۶۸۵	۲,۲۴	۱۱,۳۲۵	۰,۰۰۳
گرجی سفلی	۰,۵۳۴	۰,۲۸۵	۰,۱۹۸	۰,۲۰۱۷	۱,۱۵۹	۳,۲۹۱	۰,۰۲۲
فرخند	۰,۹۷۲	۰,۹۴۵	۰,۹۲۵	۰,۱۳۲۴۵	۲,۳۸۱	۴۷,۴۲۷	۰
کل	۰,۰۸۴	۰,۰۰۷	۰,۰۰۰	۰,۳۷۹۸۵	۰,۷۶۳	۰,۹۹۰	۰,۳۲۱

بر اساس نتایج جدول ۱۴، ابعادی از هویت که بر مشارکت در هر روستا اثرگذار است، ملاحظه می‌شود، در روستای خوش‌هوا، تمام ابعاد بر مشارکت معنی‌دار هستند، تداوم و عزت‌نفس اثر منفی بر مشارکت داشته و خودکارآمدی دارای اثر مثبت بر مشارکت می‌باشد. بر مبنای ضریب رگرسیون استاندارد شده (بتا)، متغیر خودکارآمدی از بیشترین اهمیت در مشارکت ساکنین این روستا برخوردار است که اثر مثبت را نشان می‌دهد، با افزایش یک واحد خودکارآمدی و ثابت بودن سایر متغیرها، به متغیر مشارکت ۲/۳۹۳ واحد افزوده می‌شود. در روستای پرمه، تداوم و عزت‌نفس اثر منفی معنی‌داری بر مشارکت دارد و خودکارآمدی اثر مثبت بر مشارکت داشته و تمایز اثر معنی‌داری ندارد. در بررسی مدل در روستای کاظم‌آباد، خودکارآمدی اثر منفی معنی‌داری بر مشارکت دارد. در روستای کلاکوب، تداوم و خودکارآمدی اثر مثبت معنی‌داری بر مشارکت دارند. در روستای گرجی سفلی نیز تداوم و عزت‌نفس اثر مثبت معنی‌دار بر مشارکت دارند. نتایج جدول نشان می‌دهد که در روستای فرخند تداوم و تمایز اثر مثبت معنی‌دار، عزت‌نفس و خودکارآمدی، اثر منفی معنی‌دار بر مشارکت دارد.

نتیجه‌گیری

رلف^۱ (۱۹۷۶)، نیز معتقد است که هویت مکان از ارزش‌های فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان، عمق، گسترش و تغییر می‌یابد. هویت‌ها بر ادراکات و کنش‌های افراد در ارتباط با محیط تأثیر می‌گذارند و هرچه هویت‌ها از عمق بیشتری نسبت به یک مکانی برخوردار باشند، متعاقباً بر اهمیت مکان و اتفاقاتی که در مکان رخ می‌دهد، حساس‌تر و مسئولیت‌پذیرتر می‌گردند. یافته‌های تحقیق نشان داد که مقادیر ابعاد هویت مکانی روستاهای ۱۰ گانه مورد بررسی عموماً پایین‌تر از سطح میانگین (۳)، برآورد گردیده است. اگرچه در برخی موارد مانند روستای فرخند تمام ابعاد هویت

مکانی مقدار میانگین بالای ۳ بوده است، اما در بسیاری از روستاها سطح بسیار پایینی از هویت مکانی گزارش شده است. همین شرایط نیز در ابعاد مشارکت روستاییان در طرح‌های هادی به‌ویژه در دو بُعد تهیه و تصویب و اجرا مشاهده می‌شود. به‌طوری‌که در بُعد تهیه و تصویب در تمام روستاها حتی پایین‌تر از میانگین ۲ و در بُعد اجرا جز در ۳ روستای درآبد، پرمه و خوش‌هوا، همگی پایین‌تر از حد میانگین ۳ گزارش گردیده است. اما در بُعد نظارت و نگهداری، جز در روستای گرجی سفلی با میانگین ۲/۷، مابقی مقادیر میانگین در روستاهای دیگر همگی بالای حد میانگین ۳ گزارش گردیده است

تحلیل فضایی اثرات هویت مکانی بر روند مشارکت در طرح‌های هادی روستایی را نشان می‌دهد که در ۶ روستای خوش‌هوا، پرمه، کاظم‌آباد، کلاکوب، گرجی سفلی و فرخند نشان از اثرگذاری معنادار هویت مکانی بر میزان مشارکت در تهیه، اجرا و نظارت بر طرح‌های هادی دارد و در ۴ روستای درآبد، شایع، باغ فراگرد و همت‌آباد ضریب رگرسیون اثر معناداری را نشان نداد. نتایج آزمون معادلات ساختاری نیز نشان داد که، یافته‌ها در ارتباط میان ابعاد هویت مکانی (تمایز، تداوم، عزت‌نفس و خودکارآمدی) با بُعد تهیه و تصویب مشارکت روستاییان در طرح‌های هادی دارای ارتباط معکوس و افزایشی بوده‌اند. بدین معنا که با افزایش در ابعاد هویت مکانی گرایش و تمایل روستاییان به مشارکت در تهیه و تصویب طرح‌های هادی کاهش پیدا می‌کند. اگرچه، یافته‌ها نشان از ادراک پایین هویت اجتماعی در روستاییان دارد، اما با تقویت و بهبود در هویت مکانی‌شان تمایلشان به مشارکت کاهش پیدا می‌کند. دلیل این امر را شاید بتوان نبود اعتماد اجتماعی متقابل میان مدیریت طرح‌های هادی یا دولت محلی و یا سازمان مسئول اجرای طرح‌های هادی در روستاهای مورد بررسی دانست. در واقع، نبود اعتماد اجتماعی، منجر به ایجاد سازگاری نهادی و یا هماهنگی نهادی میان روستاییان به‌عنوان جامعه محلی و دست‌اندرکاران طرح‌های هادی به‌عنوان پیمانکاران طرح‌های هادی نمی‌گردد.

اگرچه، وضعیت معیشتی روستاییان، مشکلات و حوادث زیست‌محیطی و اقتصادی، بی‌توجهی دولت‌های محلی و مرکزی نسبت به روستاها و روستاییان و از طرف دیگر آشنا نبودن به حقوق شهروندی خود همگی در شکل‌گیری پایین مشارکت به‌واسطه هویت مکانی ادراک‌شده تأثیرگذار هستند. البته باید در نظر داشت که در ارتباط با مرحله تهیه و تصویب طرح‌های هادی، از آنجایی که این موضوع فرآیندی تخصصی و حرفه‌ای بوده و چون ممکن است روستاییان اطلاعات کافی و یا مهارت لازم را در ورود به این مرحله نداشته باشند، منجر به این موضوع گردیده است که عزت‌نفس پایینی را ادراک کرده و همین عامل باعث شود که نتوانند مشارکت مثبت و افزایشی را نشان دهند. از طرف دیگر، چه‌بسا با افزایش در ابعاد هویت مکانی، اما به دلیل نبود سازگاری و بسترهای همکاری و تشریک‌مساعی لازم میان مسئولان طرح‌های هادی و روستاییان به دلیل نبود اعتماد اجتماعی باز شاهد رابطه معکوس در این‌باره باشیم.

در بعد تمایز نیز شاید به دلیل عدم ادراک تمایز میان روستای خود با دیگر روستاها که بی‌تأثیر از وضعیت اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی روستای محل زندگی نمی‌باشد، شاهد رابطه معکوس میان بُعد تمایز با تهیه و تصویب طرح‌های هادی نیز هستیم. شاید بتوان به یک نوع بی‌تفاوتی یا بحران هویتی در میان روستاییان اشاره داشت که منجر به این پدیده گردیده است که برایشان اهمیتی ندارد که اتفاقی با عنوان طرح هادی در روستایشان پیاده‌سازی شود، که در این رابطه می‌بایست عمیق‌تر به بررسی موضوع پرداخت. هرچند یافته‌ها در ابعاد هویت مکانی به رابطه مثبت و افزایشی در ارتباط با دو مرحله دیگر مشارکت در طرح‌های هادی اشاره داشته‌اند. می‌توان در این‌باره چنین عنوان داشت که علی‌رغم تمایل روستاییان به مشارکت در مرحله اول طرح هادی، اما در دو مرحله دیگر، گرایش مثبتی را از خود نشان داده‌اند. آنچه که بیشترین تأثیر را در مرحله اجرا دارا است، بعد تداوم و عزت‌نفس می‌باشد. یعنی با تقویت تداوم می‌توان این انتظار را از روستاییان داشت که میزان مشارکتشان را

در طرح‌های هادی در مرحله اجرا بیشتر نشان دهند. همین موضوع در مورد عزت نفس نیز صادق است.

در واقع، می‌توان بیان داشت که با تقویت فضای تاب‌آوری و مدیریت مخاطراتی که ممکن است روستاییان با آن دست‌به‌گریبان باشند و توجه این موضوع که مشارکت در طرح‌های هادی چه منافع و مزایایی را می‌تواند برای آن‌ها و روستایشان به ارمغان بیاورد، ممکن است مشارکت آنان را در طرح‌های هادی افزایش یابد. همچنین در مرحله نظارت و نگهداری نیز دو بُعد تداوم و عزت نفس بیشترین نقش‌آفرینی را به‌طور مستقیم دارا بوده‌اند. در نهایت می‌توان چنین اظهار داشت که برای اینکه بتوان نقش روستاییان را در مشارکت طرح‌های هادی روستایی افزایش داد، می‌بایست به تقویت و بهبود دو بُعد تداوم و عزت نفس آنان پرداخت. مطمئناً توجه به معیارهای روان‌شناختی و مدیریت صحیح بحران در مناطق روستایی به دلیل مخاطراتی که در حال تجربه کردن می‌باشند و ادراک مردم روستا از اینکه توجه به آن‌ها و روستایشان در حال افزایش است، می‌توان پیش‌بینی نمود که مشارکت‌شان حداقل در دو مرحله اجرا و نظارت و نگهداری افزایش می‌یابد و شاید بتوان احتمال داد به‌واسطه افزایش مشارکت و همکاری میان مردم روستا و دست‌اندرکاران طرح‌های هادی و دولت‌های محلی، بستر لازم جهت مشارکت روستاییان در مرحله تصمیم‌گیری و تصویب طرح‌های هادی در قالب نمایندگی‌هایی از طرف روستاییان فراهم گردد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۶). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- اعظمی، موسی؛ یعقوبی فرانی، احمد و معتقد. مهسا. (۱۳۹۵). «بررسی نوع و میزان مشارکت روستاییان در طرح هادی روستایی: مطالعه موردی روستای سنگستان همدان». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال نوزدهم، شماره ۲: ۴۷-۷۳.
- امین‌زاده، بهناز. (۱۳۸۹). «ارزیابی زیبایی و هویت مکان». *دو فصلنامه معماری و شهرسازی*، سال دوم، شماره ۳: ۱۴-۳.
- بهفروز، فاطمه. (۱۳۷۴). *زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- بیگدلی، زاهد و شریفی، سمیه. (۱۳۸۷). «درآمدی بر مفهوم مکان». *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، سال یازدهم، شماره ۴: ۲۳۹-۲۵۴.
- پرتوی، پروین. (۱۳۸۲). «مکان و بی‌مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه». *مجله هنرهای زیبا*، سال چهاردهم، شماره ۱۴: ۴۰-۵۰.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ پروایی هره دشت، شیوا؛ پیری، صدیقه و ادیب حاج باقری، ثریا. (۱۳۹۳). «بررسی نقش احساس تعلق محله‌ای در افزایش مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: محله قزل‌قلعه تهران)». *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال چهارم، شماره ۱۲: ۱-۲۴.
- حبیبی، محسن. (۱۳۸۲). «چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله». *نشریه هنرهای زیبا*، سال سیزدهم، شماره ۱۳: ۳۲-۳۹.
- خانی، فضیله. (۱۳۹۶). *بنیان‌های برنامه‌ریزی در فضاهای متغیر روستایی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ بدری، علی و پورطاهری. مهدی. (۱۳۹۰). *روش‌شناسی مشارکتی در برنامه‌ریزی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پورطاهری، مهدی؛ صادقلو، طاهره و سجاسی قیداری، حمدالله. (۱۳۸۹). «تحلیل عوامل مؤثر در مدیریت مشارکتی سیل در مناطق روستایی مطالعه موردی روستاهای سیل‌زده حوزه گرگانرود استان گلستان». *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، سال دوم، شماره ۲: ۱-۲۶.

۴۰ فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۷

- سادات حبیبی، رعنا. (۱۳۸۷). «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکانم. نشریه هنرهای زیبا، سال سی و نهم، شماره ۱: ۳۹-۵۰.
- شکویی، حسین. (۱۳۸۶). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. تهران: انتشارات موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، چاپ اول.
- شهبازی، اسماعیل. (۱۳۸۶). *درآمدی بر آسیب‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- طوسی، محمد. (۱۳۷۲). *مشارکت*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
- علی‌الحسابی، مهران. (۱۳۹۱). «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی نمونه موردی: بندر لافت». *مسکن و محیط روستا*، سال سی‌ام، شماره ۱۳۴: ۳۸-۴۵.
- عنبری، موسی و حسنوند، احسان. (۱۳۸۹). «رابطه فرهنگ پدرسالاری و مشارکت سازمان‌یافته زنان در مدیریت روستایی: مطالعه موردی زنان روستایی دهستان فیروزآباد در استان لرستان». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال سی‌دهم، شماره ۱: ۱۳۱-۱۵۳.
- قاسمی، محمدعلی. (۱۳۸۴). «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کاشان». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال هشتم، شماره ۴: ۷۹-۱۱۲.
- قاسمی، وحید و نگینی، سمیه. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان». *مطالعات و پژوهش‌های شهری-منطقه‌ای*، سال دوم، شماره ۷: ۱۱۳-۱۳۶.
- کافی، مهدی‌امیر و فتیحی، شکوفه. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر دلستگی به منطقه مسکونی: مطالعه موردی: شهر کرمان». *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره ۱: ۵-۴۱.
- گل شیری اصفهانی، زهرا؛ خادمی، حسین؛ صدیقی، علیرضا و تازه، مهدی. (۱۳۸۸). «تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان: مطالعه موردی بخش گندمان، شهرستان بروجن». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال دوازدهم، شماره ۱: ۱۴۷-۱۶۷.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*. تهران: نشر نی، چاپ اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۶۹). *بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی*. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد کشاورزی.
- مدیری، آتوسا. (۱۳۸۷). «مکان». *نشریه هویت شهر*، سال اول، شماره ۲: ۶۹-۷۹.

تأثیر هویت مکانی بر مشارکت روستاییان در روند... ۴۱

– مظفر، فرهنگ؛ حسینی، باقر؛ سلیمانی، محمد؛ ترکاشوند، عباس و سرمدی، علی-اکبر. (۱۳۸۷). «ارزیابی اثرات اجرای طرح‌های هادی بر محیط‌زیست روستاهای ایران». *نشریه علوم محیطی*، سال پنجم، شماره ۳: ۱۱-۳۵.

– هاتفی شجاع، سمیه؛ اعتصام، ایرج و اسلامی، غلامرضا. (۱۳۹۵). «بازنمایی هویت مکانی روستاهای حومه‌ای در طرح‌های توسعه روستایی (مطالعه موردی: روستای دره مرادیگ شهرستان همدان)». *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، سال هفتم، شماره ۴: ۷۲۰-۷۳۱.

– هاگت، پیتر. (۱۳۷۳). *جغرافیای ترکیبی نو*. ترجمه: گودرزی نژاد. شاپور تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

– یزدان پناه، لیلا. (۱۳۸۶). «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی». *رفاه اجتماعی*، سال بیست و ششم، شماره ۷: ۱۰۵-۱۳۰.

- Anton, C. E., & Lawrence, C. (2014). Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation. *Journal of Environmental Psychology*, 40, 451-461.
- Bernardo, F., & Palma-Oliveira, J. M. (2016). Urban neighbourhoods and intergroup relations: The importance of place identity. *Journal of Environmental Psychology*, 45, 239-251.
- Breakwell, G. (1986). *Coping with Threatened Identities*. London.
- Brown, K., Adger, W. N., Devine-Wright, P., Anderies, J. M., Barr, S., Bousquet, F., ... & Quinn, T. (2019). Empathy, place and identity interactions for sustainability. *Journal of Global Environmental Change*, 56, 11-17.
- Budruk, M., Thomas, H & Tyrrell, T. (2009). Urban green spaces: A study of place attachment and environmental attitudes in India. *Society and Natural Resources*, 22(9), 824-839.
- Colvin, R. M., Witt, G. B., & Lacey, J. (2015). Strange bedfellows or an aligning of values? Exploration of stakeholder values in an alliance of concerned citizens against coal seam gas mining. *Land Use Policy*, 42, 392-399.
- De Stefano, L. (2010). Facing the water framework directive challenges: A baseline of stakeholder participation in the European Union. *Journal of Environmental Management*, 91(6), 1332-1340.
- de Vries, S. (2020). Place identity and major project deliberation: the contribution of local governments in Australia. *Australian Geographer*, 1-21.

- Ginting, N. & Wahid, J. (2017). Defining distinctiveness aspect of place identity in urban heritage tourism. *8th International Conference on Architecture Research and Design (AR+DC)*, (41-51).
- Ginting, N., Rahman, N. V., Nasution, A. D. (2017). Increasing tourism in Karo District, Indonesia based on place identity. *Environment-Behaviour Proceedings Journal*, 2, 177-184.
- Gu, H. & Ryan, C. (2008). Place attachment, identity and community impacts of tourism—the case of a Beijing hutong. *Tourism Management*, 29(4), 637-647.
- Engler, M., & Engler, P. (2017). *This is an uprising: How nonviolent revolt is shaping the twenty-first century*. New York: Nation Books.
- Frost, D., & Catney, G. (2019). Belonging and the intergenerational transmission of place identity: Reflections on a British inner-city neighbourhood. *Urban Studies*, 0042098019887922.
- Hernández, B., Hidalgo, M. C., Salazar-Laplace, M. E., & Hess, S. (2007). Place attachment and place identity in natives and non-natives. *Journal of environmental psychology*, 27(4), 310-319.
- Jiang, Y. (2020). A Cognitive Appraisal Process of customer delight: The moderating effect of place identity. *Journal of Travel Research*, 59(6), 1029-1043.
- Jiménez-Medina, P., Artal-Tur, A., & Sánchez-Casado, N. (2020). Tourism Business, Place Identity, Sustainable Development, and Urban Resilience: A Focus on the Sociocultural Dimension. *International Regional Science Review*, 0160017620925130.
- Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of Environmental Psychology*, 28(3), 209-231.
- McKercher, B., Wang, D & Park, E. (2015). Social impacts as a function of place change. *Annals of Tourism Research*, 50, 52-66.
- Reed, M. (2008). Stakeholder participation for environmental management: A literature review. *Biological Conservation*, 141(10), 2417-2431.
- Semken, S & Freeman, C. (2008). Sense of place in the practice and assessment of place-based science teaching. *Science Education*, 92(6), 1042-1057.
- Silva, C., Kastenholz, E & Abrantes, J. (2013). Place attachment, destination image and impacts of tourism in mountain destinations. *Anatolia*, 24(1), 17-29.
- Wang, S. (2016). Roles of place identity distinctiveness and continuity on resident attitude toward tourism. *European Journal of Tourism Research*, 13, 58-68.
- Wang, S. & Chen, J. (2015). The influence of place identity on perceived tourism impacts. *Annals of Tourism Research*, 52, 16-28.